

بررسی شناخت تربیت فلسفی انسان از دیدگاه ملاصدرا

محسن فهیم^۱، سمیه عظیمی^{۲*}، فاطمه دولت آبادی^۳

۱- گروه الهیات، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۲- کارشناس ارشد گروه الهیات، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی،

نجف آباد، ایران

۳- دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

چکیده

تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت ویژه‌ای برای انسان قائل است که در راستای آن شناخت ابعاد وجودی انسان نیز تحقق می‌یابد، از طرفی هدف اساسی فلسفه تربیت در انسان، تقویت و رشد کمال عقلانی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد است با شناخت تربیت فلسفی از دیدگاه ملاصدرا، پاسخی برای تربیت انسان داشته باشد. زیرا آموزش تفکر و تربیت عقلانی و گسترش آن از مهم‌ترین مبانی فلسفه است که موجب علو هر بنیانی است. تربیت در فلسفه یعنی رشد خرد بر اساس غایت فلسفه به گونه‌ای که بتواند تحلیل و معنای درستی از زندگی داشته باشد، از آن جا که هدف از آفرینش انسان، تکامل و سعادت است نتایج بدست آمده ی آن نیز که تربیت عقلانی انسان با اتکاء به شناخت نفس است، امری لازم و ضروری است، زیرا از نگاه ملاصدرا کمال نفس منتهی شدن به نور الهی است.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت فلسفی، نفس، حکمت متعالیه.

مقدمه

فلسفه علمی است که از اصلی‌ترین فعالیت انسان یعنی تفکر برخاسته است. تفکر در مورد کلی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعاتی که در زندگی و در جهان با آن‌ها روبه‌رو هستیم. فلسفه و حکمت به طور کلی دارای دو بخش نظری و عملی است. فلسفه نظری کنکاشی است عقلی در هستی، مبادی و علل آن و فلسفه عملی، عمل بر طبق شناخت حاصله را مورد بررسی قرار می‌دهد. تربیت نیز عبارتست از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان و حرکت تکاملی او به سوی هدف مطلوب و منطبق بر اصولی معین و برنامه‌ای منظم و سنجیده و تربیت فلسفی یعنی رشد دادن فرد و آراستگی اندیشه او بر اساس آن چه که غایت فلسفه است.

فعالیت فیلسوفان مسلمان در امور عامه و الهیات به معنای اخص منجر به جریان‌های متعدد کلامی، فلسفی و عرفانی گشت و مجموعه این جریان‌ات زیربنایی فعالیت فلسفی صدرالمتهلین گردید (پرویزی، ۱۳۸۹: ۳۶۷). در این مقاله به طور کلی به معنای تربیت، معنای فلسفه، اهداف تربیت فلسفی، شناخت نفس و دیدگاه‌های تربیتی که می‌توان از حکمت متعالیه کسب کرد را بیان نموده‌ای. در فلسفه ملاصدرا اگرچه به صراحت در مورد تربیت فلسفی بحث نشده است، اما با کنکاش در فلسفه ایشان درمی‌یابیم که سرآغاز شناخت تربیت، نفس است.

معنای تربیت

معنای لغوی تربیت: تربیت از ماده‌ی «رب» یا «ربو» است چون در فرهنگ عربی هم «تربب الوالد» از ماده ربب به معنای پرورش دادن و بزرگ کردن است استعمال شده است و «ربو» به معنای زیادت، نمو و بالا آمدن است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۳۷۸).

معنای اصطلاحی تربیت: تربیت عبارت است از هر عمل یا فعلیتی که واجد اثر سازنده بر روی جسم، روح، شخصیت و شایستگی مادی و معنوی فرد داشته باشد (نیکزاد، ۱۳۸۱: ۲۳).

معنای فلسفه

برای فلسفه تعریف‌های مختلفی وجود دارد و در این جا تعاریف سقراط و ملاصدرا را ذکر می‌کنیم. از سقراط نقل شده است که فلسفه علم خودشناسی است و گفته‌اند: «سقراط فلسفه را از آسمان به زمین آورد؛ یعنی ادعای معرفت را کوچک کرده و جویندگان معرفت را متنبه ساخت که از آسمان فرود آیند، یعنی بلندپروازی را رها نموده، به خود باید رفت و تکلیف زندگانی را باید فهمید» (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۲).

ملاصدرا در خصوص فلسفه می‌فرماید: فلسفه، استکمال نفس انسانی است به واسطه‌ی معرفت حقیقت موجودات و تصدیق به وجود آن‌ها از روی تحقیق نه ظن و تقلید. غایت آن نیز تشبه به باریتعالی و متعلق شدن به اخلاق الهی است (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۱).

تربیت فلسفی

تربیت فلسفی یعنی رشد دادن فرد و آراستگی اندیشه او بر اساس آن چه که غایت فلسفه است یعنی فرد را طوری پرورش دهیم که خود را بشناسد، جایگاه خود را در هستی بیابد و بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و زندگی و معنای آن چیست. با تربیت فلسفی فرد درمی‌یابیم که باید زیستن با عزت و کرامت را بشناسد، معنای زندگی را درک کند و در گستره‌ی زمان با فراز و نشیب‌های زندگی برخورد خردمندانه داشته باشد.

مراد از تربیت فلسفی فرد این نیست که با اندیشه‌های افلاطونی و ارسطویی یا سینوی و صدرایی درباره جهان و کھکشان‌ها بیندیشد، بلکه مراد این است که جهان را بر اساس خرد خویش و دستاوردهای خردمندان تحلیل کند و بفهمد و بر میراث فلسفی و فکری بیندیشد و از این میراث برای تعالی حکمت و توسعه‌ی هستی‌شناختی کسب بصیرت کند. که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «العالم غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعة السیر الأ بعداً؛ کسی که بدون بصیرت فعالیت و تلاش کند، همانند رونده‌ای است که سرعت سیرش او را از مقصد دورتر می‌کند (اله‌بداستی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳).

از طرفی دیگر انسان به دنبال کمال است و از آن جایی که ذاتاً متحرک بوده و به سوی کمال باید رشد کند که این رشد همان تربیت است. شهید مطهری درباره‌ی همین موضوع

می‌فرماید: «تربیت به معنای رشد و پرورش دادن است و لازمه‌ی این امر در انسان، وجود یک سلسله استعدادهاست» و از آن جایی که تربیت به منظور فعلیت یافتن امر بالقوه است صورت می‌گیرد، امری حادث بوده و مسبوق به قوه‌ی وجود و ماده‌ای است که آن قوه را حمل کند یعنی تربیت در چیزی متصور است که تمام استعدادهای آن فعلیت نیافته و برخی کمالاتش بالقوه باشد. به این ترتیب متربی مرکب از کمال و نقصان می‌گردد که ذاتش به دلیل سعی در رفع و جبران نقایص و تبدیل قوه‌ها به فعلیت، در حرکت است (پرویزی، ۱۳۸۹: ۳۷۰).

با توجه به ابعاد و ویژگی‌های مختلف انسان و کمالاتی که برای وی در هر یک از این زمینه‌ها ممکن است، حرکت و رشد و در نهایت تربیت او در ابعاد متعدد و مختلفی متصور می‌باشد. از این انواع آن چه مناسب با مقام است، تربیت فلسفی است. زیرا تربیت فلسفی به رشد در زمینه «شناخت هستی، آغاز و انجام آن» بوده و به این مقصود صورت می‌گیرد (پرویزی، ۱۳۸۹: ۳۷۰). تربیت فلسفی فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه‌ی انسان است که می‌تواند انسان کمال‌طلب را به سوی رشد و تعالی در زمینه‌ی شناخت هستی و حقیقت سوق دهد.

اهداف تربیتی فلسفی

هدف از تربیت فلسفی در حقیقت همان تربیت عقلانی است، تربیت عقلانی زمانی تحقق پیدا می‌کند که هم پای رشد طبیعی جسمانی و رشد طبیعی هوش و عقل اکتسابی در راستای نیرومندی قوای بدنی و تغییرات کمی و کیفی در جسم و جان، و نیز خرد که فرماندهی سیستم پیچیده‌ی وجود است رشد و کمال یابد که آقای اله‌بداشتی، ۱۳۸۹ در مقاله خود به نام تربیت فلسفی جوان (معنا، اهداف و روش‌ها)، اهداف تربیتی فلسفی را این گونه ذکر می‌کنند:

۱- ایجاد انضباط فکری و تفکر منطقی

انضباط فکری و تفکر منطقی ایده‌هایی را که به ذهن می‌دهد درجه‌بندی و دسته‌بندی و مقدمات هر یک را بررسی می‌کند و ایده‌ها را بر اساس زمان کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت دسته‌بندی و یا بر اساس اهمیت، درجه‌بندی می‌کند.

۲- حاکمیت عقل و خرد بر احساسات و عواطف

انسان با حاکمیت تعقل می‌تواند تصمیماتش را بر اساس تفکر بسنجد و حاکمیت خرد تعادل وجودی خود را از افراط و تفریط در مسائل و پرهیز از تصمیم‌سازی‌های نسنجیده رها کند تا بر عواطف و احساساتش حاکم شود.

۳- رشد عقلی

رشد عقلی یعنی از عقل جزئی‌نگر که مربوط به عالم ماده است به عقل کلی‌نگر که مربوط به حقیقت انسان است رشد یابد.

۴- درک لذت عقلی

لذات عقلی لذاتی پایدارتر و شیرین‌تر از لذات زودگذر حسی و روحی هستند.

شناخت نفس

قبل از بیان دیدگاه‌های تربیتی حکمت متعالیه مختصری به شناخت نفس می‌پردازیم. انسان برای شناخت خود با بدن مادی که منزلگاهش عالم ماده است چاره‌ای جز درک حقیقت نفس ندارد. همان‌طور که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «بدان که انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه و دو عالم: نشئه‌ی ظاهره‌ی مکیه‌ی دنیویه که آن بدن اوست و نشئه‌ی باطنه‌ی غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او، که از عالم غیب و ملکوت است (امام خمینی ۱۳۸۶: ۵). صدرالمآلهین نیز در اسفار هویت واحد انسانی را دارای نشأت و مقامات متعددی می‌داند که ابتدای وجود او از پست‌ترین مراتب آغاز می‌شود و در موارد اندکی تا درجه‌ی عقول رشد می‌یابد (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۱۳۳). مسئله وجود و هستی‌شناسی اساسی‌ترین نقش را در درک حقیقت نفس انسانی و کیفیت تنزل آن از برترین مقام تجردش به مقام طبیعت و حس و ارتقا به مقام خیال و رسیدن به مقامات هقول قاده، ایفا می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۶).

در آموزه‌های حکمت متعالیه درمی‌یابیم که با شناخت مسئله وجود و هستی‌شناسی و حقیقت‌جویی لست که نفس از پست‌ترین مراتب خود به بالاترین مراتب خود که همان

مقامات عقول قادسه است دست پیدا می کند که در این زمینه آیت الله جوادی آملی می فرماید: حقیقت جوینی فطری انسان، نسبت به سؤالات مختلفی که در مواجهه با حوادث و اشیاء جهان برایش مطرح می شود، با شناخت خطوط کلی جهان هستی (فلسفه) منجر به سعادتش می شود (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۳۴-۱۳۵). این جاست که آموزه های حکمت متعالیه در شناخت نفس به ما کمک می کند تا در تربیت فلسفی بخصوص در آموزه های دینی به بالندگی برسیم.

دیدگاه های تربیتی ملاصدرا

از اصول و مبانی حکمت متعالیه شناخت نفس و ارتباط آن با جسم است که همانند سایر مکاتب فلسفی، دلیل و برهان هایی را برای تعلیم و تربیت در علوم روانشناسی و روان شناختی می توان استخراج کرد که به طور کلی آراء تربیتی گرفته شده از حکمت متعالیه در باب نفس را به صورت زیر بیان نمود.

۱- تجرد نفس

ملاصدرا معتقد است که نفس ناطقه ی انسانی جوهری مجرد است که از نظر ذات، کامل و بالفعل است و برای وجود کمالی و بقایی خود احتیاج به چیزی ندارد زیرا وجود عقلی و مجرد جمیع آن چه را که برای آن لازم است به نحو بالفعل دارا است و ابتدا و غایت آن یکی است. پذیرفتن تجرد نفس انسانی از معارف بلند قرآن و فلسفه اسلامی است.

۲- حرکت جوهری نفس

صدرا بیان می کند که نفس جوهری ذاتاً مستقل است که در فعل نیاز به ماده دارد و متعلق به اجسام است (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۹۳). او معتقد است همان طور که هر جوهری در ذات خود متحرک است، نفس نیز به عنوان یکی از انواع جواهر، دارای این نوع حرکت است و از پایین ترین مراتب خود (بدن) به سوی کمال جوهری خود، حرکت می کند تا این که به تدریج به بالاترین مراتب جوهری خویش ارتقا می یابد (زکوی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). حرکت جوهری از

اساسی‌ترین مفاهیمی است که ملاصدرا مطرح کرده و سیر استکمالی نفس را بر آن طراحی نموده که این نظریه مبنای بسیاری از اصول تربیتی است که به سه اصل تربیتی حرکت جوهری اشاره می‌کنیم:

۲-۱- اصل تغییر، توبه و بازگشت

گاهی با به کار بردن همه‌ی روش‌های تربیتی، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود و فرد یا افراد از هواهای نفسانی و وساوس شیطانی پیروی می‌کنند و مرتکب خطا و اشتباهی می‌شوند. چنانچه برای آنان که در راه باطل سیر می‌کنند و احیاناً عمل نادرستی دارند، راه مسدود باشد و امکان بازگشت نباشد و احتمال تغییر رفتار و حالات نرود، دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و چه بسا به سرخوردگی از زندگی می‌انجامد. از نظر تربیتی باید راهی برای اصلاح و تغییر وجود داشته باشد. توبه و بازگشت طریقه‌ای است که اسلام برای اصلاح رفتار عرضه می‌کند (احمدی، ۱۳۶۸: ۲۸۶). همان‌طور که حرکت جوهری نفس این امکان را می‌دهد که در هر لحظه به اصلاح و تغییر و بازگشت خویش بپردازد و مسیرهای اشتباه را بازگردد. نفس در همه‌ی حال در حال تغییر و ساخته شدن است.

۲-۲- اصل استمرار و پیوستگی

بر مبنای نظریه حرکت جوهری، جهان یک واحد به هم پیوسته و دارای حرکت و سیلان یکپارچه است. این حرکت متشکل از قوه و فعل است بدین معنا که هر مرتبه از حرکت که به فعلیت رسیده باشد، قوه‌ای برای مرحله بعد محسوب می‌شود. استمرار امر تربیت از این اصل مهم ناشی می‌شود و بستر عمل بعدی را فراهم می‌سازد. گذر از یک مرحله، قوه لازم برای فعلیت آتی در تربیت فرد را به دنبال خواهد داشت (نوروزی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

بنابراین نظام تعلیم و تربیت نیز نباید در یک مرحله متوقف شود؛ بلکه باید تمامی لحظه‌های عمر آدمی را در برگیرد، نه این که محدود به دوره‌ی خاصی گردد. تعلیم و تربیت فقط مختص دوره‌ی کودکی و نوجوانی یا محدود به آموزش‌های رسمی مدرسه و دانشگاه نیست؛ بلکه نفس به هر منزلی برسد، بالاتر از آن نیز هست و این تمام طول عمر انسان را دربرمی‌گیرد؛

چرا که مسیر رشد و کمال نفس، بی‌نهایت است و استمرار تربیت ضرورت دارد. پیوسته بودن مراحل تکوین نفس و نیز مرحله به مرحله بودن آن، ضرورت تعلیم و تربیت پلکانی و متناسب با هر مرحله را ایجاد می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۲-۳- گام به گام بودن تربیت

با توجه به گفته‌ی ملاصدرا در حرکت جوهری گام به گام بودن و تدریجی بودن تربیت کاملاً مشهود است. چرا که در تربیت بلاخص دستیابی به ایده‌آل‌ها و آرمان‌های تربیت اسلامی به طور دفعی و جهشی مقدور نیست باید به طور تدریجی انسان به مراحل بالای رشد و قرب الهی برسد. ویژگی‌های مرز در هر مرحله سنی و و امکانات و محدودیت‌های موجود از جمله عواملی است که تدریجی بودن تربیت را ضروری و منطقی می‌سازد (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

۳- جسمانیه

الحدوث بودن نفس و روحانیة البقاء بودن آن.

با جستجو در نظریاتی که جزء ویژگی‌های فلسفه صدرایی شمرده می‌شوند، به نظریه‌ای در باب حدوث نفس برمی‌خوریم که به طور اجمال بیان می‌کند که نفس در ابتدای حدوث یک موجود، مجرد نیست، بلکه جسمانی است و در ادامه اگر باقی بماند، بقای آن به صورت موجودی روحانی است (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۲۱).

با توجه به این اصل در تربیت هم بعد جسمانی و هم بعد روحانی انسان را باید مورد توجه قرار داد. از این روست که بسیاری از دستورات دینی ما مستقیماً و یا با واسطه به امر تربیت انسان منتهی می‌شوند. مثلاً عباراتی از قبیل نماز، روزه و حج که دارای فلسفه‌ی تربیتی عمیقی هستند، عباداتی هستند که با جوارح و بعد جسمانی انسان سر و کار دارند. بسیاری از دستورات اخلاقی از قبیل چشم و زبان، گوش و انجام بسیاری از مستحبات، آداب سفر، سفره و استحمام و ... با افعال بدنی آغاز می‌شوند. در متون دینی، نکات ریزی دیده می‌شود که ظرافت و اهتمام

به بعد جسمانی را الهام می‌بخشد. هروله در حج، تنظیم اندام در نماز، حرکات رکوع و سجود و ... از این دست مایه‌اند (خسروثزاد، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

همان گونه که بسیاری از دستوران اخلاقی جنبه‌ی درونی دارد، زدودن رذایل اخلاقی مثل کبر، حسد و طمع، سوء ظن و تصفیه‌ی درون از نیات فاسد و هم‌چنین تقویت بعد روحی مثل اراده، به بعد درونی انسان مربوط است (خسروثزاد، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

۴- اتحاد نفس و بدن

مناسبت نفس و بدن که به صورت علت و معلول از یک سو و به صورت مستعد و مستعد له از سوی دیگر ظاهر می‌شود آن چنان نیرومند است که از نوعی اتحاد حکایت می‌نماید. این مناسبت به گونه‌ای است که نزول نفس در مرتبه‌ی بدن چیزی جز بدن نیست همان گونه که صعود بدن در مرتبه‌ی نفس جز نفس چیز دیگری نخواهد بود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۸: ۷۳).

رابطه‌ای که بین جسم و نفس وجود دارد سبب می‌شود که آن دو را توأم با هم پرورش داد بلکه انسان باید از لحاظ جسمانی که معمولاً علماء تعلیم و تربیت می‌گویند. تربیت بدن عبارتند از پروراندن جسم از آن لحاظ که بتوانند به اعمال گوناگونی قیام نموده و بدن در برابر بیماری‌ها مقاومت نماید پرورش یابد. و وقتی از جسم و بدن در تربیت اسلامی گفتگو می‌کنیم تنها عضلات و حواس و امثال آن‌ها مورد نظر نیست، بلکه علاوه بر آن‌ها تمام قوای حیاتی و زیستی که از جسم و بدن منبث می‌شود و در روان اثر می‌گذارد منظور است. که تمام آثار نفس و روان اعم از شعور و تفکر و فعل و انفعالات، انعکاس جسم و بدن است. جسم فقط ظرف نفس است و میان جسم و نفس اتصال پیوستگی و فعل و انفعال مشترک و متقابل وجود دارد. به این معنی که جسم در نفس و نفس در جسم تأثیر می‌گذارد (حجتی، ۱۳۷۶: ۴۱).

۵- مراتب نفس

ملاصدرا کمال نفس را در شدت وجود و قوت مدرکات می‌داند. از حیث وجودی، نفس قابلیت رسیدن به تمام مراتب امکانی وجود دارد. بر همین مبنا وی مراتب نفس را به نفس نباتی، نفس حیوانی و انسان نفسان مُلکی یا شیطانی تقسیم می‌کند. نفس از حیث مدرکات نیز

دارای سه مرتبه‌ی طبیعی، نفسی و عقلانی است که بر اساس ادراک مخلوقات در عوالم سه‌گانه طبیعت، مثال و مجردات شکل می‌یابند (ارشد ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

انسان در طول زندگی مراحل را از رشد می‌پیماید و به تناسب هر مرحله و ویژگی‌های آن، تربیت خاصی را می‌طلبد که در منابع اسلامی نیز مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه‌ی آغازین خلقت او یعنی هنگامی که خاک به صورت گیاه درآید و به مواد غذایی و سپس خون و نطفه مبدل گردد تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضخه و ... درآید و آماده افاضه روح شود متذکر می‌گردد که طی این مراحل، تربیت تکوین الهی او را همراهی می‌کند و پس از ولادت به بیان سه مرحله رشد یعنی «کودکی، جوانی و بزرگسالی» می‌پردازد که در این جا پای مسئولیت تربیت انسان به میان می‌آید. و در مناسبتی دیگر به بیان گرایش‌های طبیعی و غریزی انسان در مراحل مختلف رشد پرداخته است و در کنار غرایز انسان، استعدادهای متعالی و گرایش‌های معنوی که شخصیت حقیقی انسان را تشکیل می‌دهد و به شیوه متعالی و هم‌آهنگ در تربیت اسلامی مورد توجه است (رهبر، ۱۳۱۶: ۲۳۶).

۶- خلاقیت نفس

ملاصدرا معتقد است که حق تعالی انسان را به گونه‌ای آفریده است که در عالم خویش قادر به ایجاد صور اشیاء است زیرا نفس او از سنخ ملکوت و عالم قدر است؛ یعنی همان‌گونه که حق تعالی با فیض قیومی خویش جهان هستی را ایجاد می‌کند، نفس نیز با قیومیت خویش، صور خیالی را ایجاد می‌کند. نفس انسان صرفاً امری منفعل نیست بلکه قادر به خلق و ابداع است (کارکن بیوق، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

وجود خلاقیت در انسان نه تنها به معنای توانایی وی برای ساختن زندگی و آینده خویش است بلکه از آن جایی که این امر، قدری الهی است که به انسان عطا شده است ارزش و اعتبار وجودی انسان را بالا برد و وی را با گوهر الهی خویش آشنا می‌سازد. از این رو وی درصدد کشف استعدادهای نهفته در وجود خود برمی‌آید: «گوهر خود هویدا کن کمال این است و بس» (کارکن بیوق، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

این نوع نگرش کمک می‌کند که به اشیاء نگاهی تازه، طبیعی و مستقیم داشت، که ابداعات، اکتشافات و اختراعات در علوم طبیعی و تجربی از خلاقیت نفس نشأت می‌گیرد. اگرچه در آثار ملاصدرا به صراحت در مورد تربیت بحث نشده اما اتکاء به مسائل نفس که از مهم‌ترین مسائل تربیت است می‌توان به استنباط‌هایی برای تعلیم و تربیت انسان پی برد.

نتیجه‌گیری

براساس مطالبی که گفته شد هدف اصلی تربیت فلسفی، آشنایی بیشتر با جنبه‌ی آفرینندگی و ابعاد وجودی انسان است و تفکری عمیق با محوریت مراقبت و دلسوزی است که تکامل و سعادت را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. از طرفی هدف تعلیم و تربیت در فلسفه، رشد قوای عقلانی و تقویت قدرت استنباط در فرد و اجتماع است همچنین پرورش نیروی فکر، ایجاد استقلال فکری، تقویت ابتکار فرد، تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و احیای آن است. پس هدف تعلیم و تربیت رشد شخصیت فکری و عقلانی در تک تک افراد و جامعه است. این ارزشگفتیهای قرآن است که از روز درخشش اسلام تاکنون به آزادی اندیشه و فکر و آزاد اندیشی به انگیزه‌ی حق جویی و حق پویی برای رسیدن به بهترین راه‌های کمال دعوت می‌کند. بنابراین با توجه به مجرد بودن نفس، نزد ملاصدرا و اتحادی که با جسم دارد، تربیت این دو و رسیدنشان به سعادت، در راستای تفکری عقل محور و مراقبتی معنوی، امکان‌پذیر است.

منابع

- ۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۶۸)، معاد از دیدگاه حکیم مدرسی زنونزی، تهران، انتشارات حکمت.
- ۲- ابن فارس، (۲۰۰۸)، معجم مقیابیس الغه، بیروت، طریق المکار.
- ۳- احمدی، احمد، (۱۳۶۸)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، تهران، واحد انتشارات نقش فرهنگ دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۴- ارشد ریاحی، علی، اسکندری، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، «مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا»، مجله انسان‌پژوهی دینی، ش ۲۴، صص ۱۳۷-۱۲۵.
- ۵- اله‌بادشتی، علی، (۱۳۸۹)، «تربیت فلسفی جوان (معنا، اهداف و روش‌ها)» در مجموعه

- مقالات چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران: انتشارات حکمت اسلامی صدرا، صص ۶۴-۴۹.
- ۶- امام خمینی، روح الله، (۱۳۸۶)، اربعین (شرح چهل حدیث)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۷- پرویزی، مهری، (۱۳۸۹)، «حکمت متعالیه، الگوی تربیت فلسفی» در مجموعه مقالات منتخب چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران: انتشارات حکمت اسلامی صدرا، صص ۳۸۰-۳-۶۷.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵) ریحیق مختوم، ج ۱، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۹- حاجتی، سیدمحمدباقر، (۱۳۷۶)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- خسرونژاد، مرتضی، قمی، محسن، شریفانی، محمد (۱۳۸۷)، «نظریه حرکت جوهری پیامدهای فلسفی و تربیتی»، در فصلنامه اندیشه دینی، ش ۲۲، زمستان، صص ۹۱-۱۱۲.
- ۱۱- رهبر، محمدتقی، رحیمیان، محمدحسین، (۱۳۸۶)، آیین تزکیه، قم، بوستان کتاب.
- ۱۲- زکوی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، «تحلیلی از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در مسئله حدوث نفس» در فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۲، بهار، صص ۱۴۷-۱۱۹.
- ۱۳- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۴- فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، سیر حکمت در اروپا و حکمت سقراط و افلاطون، تهران، انتشارات هرمس.
- ۱۵- کارکن بیرق، حبیب، (۱۳۸۹)، «تربیت فلسفی جوان امروز با تأکید بر آموزه‌های فلسفی حکمت متعالیه» در مجموعه مقالات منتخب چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، صص ۲۳۲-۲۱۱.
- ۱۶- ملاصدرا، (۱۳۹۱)، اسفار، ج ۱،
- ۱۷- ملاصدرا، (۱۳۹۱)، اسفار، ج ۸،
- ۱۸- ملکی، حسن، (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، عابد.
- ۱۹- نوروزی، رضا علی، بابازاده، طاهره، (۱۳۸۹)، «پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا»، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، ش ۲۳، صص ۱۱۲-۹۱.
- ۲۰- نیکزاد، محمود، (۱۳۸۱)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات کیهان.